

متن کامل پیام تاریخی امام خمینی به زائران خانه خدا، مسلمانان و مستضعفان جهان - ذیحجه ۱۴۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم

و من یرج من بیه مهاجرا الی الله و رسوله، ثم یدر که الموت فقد وقع اجره علی الله .
الحمد لله علی آلائه و الصلوة و السلام علی انبیائه سیمما خاتمهم و افضلهم و علی اولیائه و
خاصة عباده سیمما خاتمهم و قائمهم ارواح العالمین لمقدمه الفداء .

قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب
عالمیان شده و می شود. خالق که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سر و
علن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که «الله نور السموات
و الارض» و با ظهور جمیلش، پرده از جمالش برافکنده که «هو الاول و الاخر و الظاهر
و الباطن» و به کتب مقدس آسمانی اش که از حضرت غیب بر انبیائش از «صفی الله» تا
«خلیل الله» و از «خلیل الله» تا «حبیب الله» صلوات الله و سلامه علیهم و سلم نازل فرموده،
راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی الله را گوشزد کرده
چون کریمه «و من یرج من بیه مهاجرا الی الله» و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و
ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی
الکفار رحماء بینهم» و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله
علیه و آله و سلم قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف
کتب مقدسه و صورت کتیبه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمعیه
و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده «انا نحن نزلنا الذکر
واناله لحافظون» قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاست. کتاب
کریمی که ما را از برخورد انبیاء معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ
آگاه نموده و از طریق حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان و زورگویان و

کفار و در رأس آنان منافقان مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده «قل ان کان آبائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یتى الله بامرہ و الله لایهدى القوم الفاسقین». خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و منافقان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آن که بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید. از ذلت و اسارت و برباد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید، از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه «فلیحذر الذین یخالفون من امرہ ان تصیبهم فتنۃ او یصیبهم عذاب الیم» و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و برباد رفتن حرث و نسل ملت که بر سر کشور و ملت ایران آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

و حمد و شکر بی پایان بر عنایات حق جل و علا که در آستانه عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صلی الله علیه و آله و سلم ندای اسلام بر اقصی بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی اسلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمده و چشمهای جهانیان به سوی کشور ولی الله اعظم ارواحنا لمقدمه الفداء دوخته شده و برغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوائی شان بر سربازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشی آنان که وعده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود می دادند امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پر قدرت تر و جوانان و سالمندان آن مصمم تر و حوزه های مقدس علمیه آن در سایه مراجع معظم و علماء اعلام کثر الله امثالهم

پرشورتر و پیوند حوزه‌ها و دانشگاه‌ها استوارتر و قوای سه گانه آن فعالتر و جهاد سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو برش‌دتر، و دشمنان آن که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیف‌تر و زیون‌تر و کاخ‌های مستکبران لرزان‌تر و رسوایی کاخ سیاه برملاترو پریشان‌گویی و دلپره کاخ‌نشینان افزون‌تر و سردرگمی رسانه‌های گروهی جهان که انعکاس سردرگمی کاخ‌نشینان است واضح‌تر گردیده است.

لازم است در این جوی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان، آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرتها خارج نمایند.

اینک تذکراتی را عرض می‌کنم:

۱- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی، با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسؤولین حج و نماینده این جانب جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند.

مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «الست بربکم» بت آله‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر در «واذان من الله و رسوله الی الناس يوم الحج الاکبر» زنده بماند و تکرار شود. چرا که سنت پیامبر و اعلان برائت، کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نمی‌شود که باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام غفلت نکنند که مسلماً

جهان خواران و دشمنان ملتها بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حيله ها و تزويرها و چهره های گوناگون متمسک می شوند و روحانی نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملی گراها و منافقین به فلسفه ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می آورند و برای خلع سلاح مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد(ص) به هرکاری دست می زنند.

و چه بسا جاهلان متمسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمائی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است، نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مهتک القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی آن هم در ایام حج، دون شان روحانیون و علما می باشد که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهان خواران به شمار می ورد که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی خیبران و دل مردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند.

و از همه جا و همه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالا تری رهسپار شوند. و هم چون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از توفه زمزم، به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابر قدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب، که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستور العمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستیهاست و به شعار هم خلاصه نمی شود که سر آغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا

اظهار برائت نکنند پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست پس مامن و پناهگاه آنان در کجاست.

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های مناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی، فرهنگی، دینی و سیاسی ملت ها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد؟

آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القاء روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد.

و تصور نمود که مبارزه انبیاء با بت و بت پرستیها منحصر به سنگ و چوبهای بی جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون، ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران صحنه مبارزه را ترک کرده اند و حال آن که تمام بت شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی ذرع و ساختن بیت و فدیة اسماعیل مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «اننی برئی ممتشرون» ابلاغ می نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم اصلاً در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند خبر نداشته باشد.

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذتاب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است.

فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد.

بارها گفته‌ام و اکنون نیز تذکر می‌دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می‌کنند و به ولایت کرملین یا قیومیت آمریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان به سلطه دیگری گردن نمی‌نهند و پای آمریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می‌شکنند و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیاه‌روزان بی‌فرهنگ نژادپرست را می‌خورند، فریاد برائت ما فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته‌اند و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است، فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهی دستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین

نشسته اند و همه تیرها و کمانها و نیزه ها به طرف قرآن و عترت عظیم، نشانه رفته اند و هیئات که امت محمد (ص) و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است، ادامه می دهد و به باری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پا برهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند، سلب خواهد کرد.

آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نه، باید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته اند و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیمایی برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش بنمایند و

نگذارند دنیا خواران از امکانات آنان در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشورها و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند.

مسلمانان از هیاهو و طبلهای توخالی تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان همانند لانه عنکبوت، سست و در حال فرو ریختن است.

مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می دهد بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خود فروخته ای که به نام فلسطین آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره ها و رفت و آمدها حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه دار کنند که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خود فروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متوسل شده اند.

عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می گذرد سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب، بیشتر و حتی از تبلیغ و شعارهایی بیت المقدس هم خبری بگوش نمی رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می زند او را محکوم می کنند و حتی از این که یک روز هم به نام قدس برگذار شود وحشت نموده اند. نکند که اینان تصور کرده اند که گذشت زمان، سیرت و صورت خباثتهای اسرائیل و صهیونیسم را دگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیسم از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات، دست برداشته اند.

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و

ریشه کن کردن آن دست نخواهند کشید و به یاری خداوند از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد.

من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بی دریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس اعلام می نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام و خواری و ذلت جهان خواران گردیده اند تشکر می کنم و برای موفقیت همه عزیزانی که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده با تکیه به سلاح ایمان و جهاد، به اسرائیل و منافع آن ضربه می زنند دعا می کنم و اطمینان می دهم که ملت ایران شما را تنها نخواهد گذاشت.

به خدا توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره بجوئید و با سلاح تقوی و جهاد و صبر و مقاومت، بردشمنان حمله ببرید که «ان تنصروا الله ینصرکم و یشبب اقدامکم».

۲- از آن جا که جنگ در راس امور و برنامه های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و روبه زوال علفقیان تلاش گسترده ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته اند تا بعد از آن همه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تاثیر قرار داده باشند.

لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای در بند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تا کنون و در تمام مراحل دفاعی ما هیچ گاه با زبان عدالت و بی طرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بی خردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می نمود و نه تنها خانه های یک شهر و روستا که مراکز دهها شهر و صدها

روستا را با خاک یکسان می‌کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند، و تجاوزات و وحشی‌گریها را تا آن‌جا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می‌کند.

و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس بر افروخت، هیچ کس از این مدعیان صلح، جلو آتش افروزی او را نگرفت و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره‌ن جست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برخاست و به صدام، این آغاز کننده جنگ نگفت که به کدام گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند و به کدام گناه میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه‌شان ویران گردد و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه‌گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع، کشتزارها سوخته و برباد برود؟ آیا جرم ما ایرانی بودن ماست؟ جرم ما فارسی بودن ماست، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟

خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهان‌خواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستم‌شاهی است. جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله با توطئه کفرجهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلان جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با آمریکای جهان‌خوار بوده است و نزد جهان‌خواران و نوکران بی‌اراده آنان چه گناهی بالاتر از این که کسی از اسلام و حاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند. ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی که از روز نخست شروع مبارزه و از پانزده خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده‌ایم و بخوبی دریافته‌ایم که برای هدفی بزرگ و آرمانی اسلامی الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم. و جهان‌خواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بسترکوچه‌ها و خیابان‌ها و مرزهایمان جاری می‌کنند و همین گونه شد.

وقتی که فریاد اسلام خواهی مردم کشور ما در پانزده خرداد به گوش آمریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور آمریکا و اقتدار ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و آمریکا متوجه اقتدار و رهبری علماء و روحانیت اسلام و غزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکری اراده و وطن فروش و فرومایه خود محمد رضا خان دستور داد که صدای اسلام خواهی ملت ما را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر آمریکا قد علم کرده اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این ماموریت شوم لحظه ای درنگ ننمودند و به نام ماموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب، با خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستم شاهی پروبال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می شکستند، همه جهانخواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین المللی شاه را متمدن و مترقی و آزادی طلب و مسلمانان را مرتجع و خواسته های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خون رنگ ایران، جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات آمریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الان نیز همان سخن را تکرار می کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد، ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می کرد که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می کرد، چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می یافت، ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مامور آمریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما خون بهاء و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از ایران گرفته شد و کار او ماموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام آمریکا را از اسلام و مسلمین گرفت، ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود آمریکا در پشت صحنه باقی مانده بود. آمریکایی که از اسلام راستین می ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل و همه داشت. آمریکا به تصور این که ملی گراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و

راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت در می آورند، چند روزی سیاست خوف و رجاء را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران براثت مجدد خویش را از آمریکا و اذتاب آن اعلام نمودند که دوباره آمریکا همان تیغی که به دست محمدرضاخان سپرده بود در کف صدام این زنگی مست نهاد.

صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود، انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود، غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به آمریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به آمریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟ گفتیم که خرابیهای شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟

مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادی خواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابر قدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

تجربه انقلاب اسلامی در ایران با خون بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمنهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب گذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست درّخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است.

ملت ایران تجربه پیروزی برکفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده است و با فداکاریها و مجاهدات انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند

نیست روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادی خواهان باید با روشن بینی و روشن گری راه سیلی زدن برگونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد. ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید، آن قدر گران بها و پر قیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده اید که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده اید و در جهان، ابدی شده اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد خوشا به حالتان.

من به تمام جهان با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی، متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پرنشیب و فراز را با اتکای به خدا تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد. یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت رو می آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می کنیم، ولی در هر دو حال پیروزی و موفقیت با ماست و دعا را هم فراموش نمی کنیم. خداوند بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

حال با این مقدمه ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر پروراند است

و دنیا نیز به چه انگیزه‌ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدرن‌ترین سلاحها مسلح نموده است، ولی از دادن امکاناتی که حق مسلم ملت ماست و حتی پول آنها را گرفته‌اند، خودداری نموده است ولی باتمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل برخدای بزرگ و دُعای بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزان صحنه کارزار به پیروزی رسیده‌ایم، و خدا را سپاس می‌گذاریم که منت هیچ قدرت و کشور و ابرقدرتی در جنگ برگردن ما نیست و مردم کار آزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا، یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فایق آمده‌اند و علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه‌ای که در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر را به دست آورده‌اند، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی دست یافته‌اند و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده‌ایم و قدمهای آخرمان را بر می‌داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می‌رسد و در جهان غوغا به راه انداخته‌اند و عزا و ماتم صلح طلبی بر پا نموده‌اند و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای بخون جوانان و سرمایه‌های مادی و معنوی دو کشور ایران و عراق مرثیه سرایی می‌کنند. راستی چه شده است که استکبار جهانی و در راس آن آمریکا این قدر طرفدار ملت‌ها شده است و جنگ افروزان و آتش‌بیاران معرکه‌ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد پیدا کرده‌اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه‌داری و کمونیسم است، منصرف شده‌اند و شمشیرها و خنجرها و قداره‌های فرو رفته در قلب و جگر ملت‌ها را به غلاف کشیده‌اند.

آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه‌های دیگر شبیخونها و بی‌انصافی‌هایی نیست که روزی سنکوت را مصلحت خویش می‌دید و امروز صلح طلبی را. آیا براستی از این طریق جهان‌خواران نمی‌خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ

منافع خودشان سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهاى پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملاً جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند که به طور قطع و یقین علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بزملت ایران نشأت گرفته از همین تفکر است و از همه اینها که بگذریم این مسأله که چه کسی خواهان صلح واقعی و چه کسی جنگ طلب است، خود اول بحث ماست.

آیا واقعاً صدام از گذشته ها و کرده ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی اوست و اصلاً با این همه خیانتها و غارتگریها برای صدام وجدان و شعور و عاطفه ای می توان تصور کرد؟ یا این که این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود، به طناب صلح طلبی چسبیده است و عجباً که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر مسیر عزت و کرامت مسلمین را دگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می دارند که خداوند را سپاس می گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات برفته و نمی رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و یچه گانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آنان لبخند تمسخر می زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فدا کردن هزاران قربانی بزرگ از نبرد با دشمن روبرو به احتضار مکتب و جامعه و کشور خود چشمپوشی نموده و به او مهلت و توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چندروزه دنیا ارزش این همه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان حاکمیت و خواسته های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفتکشها و هواپیماهای غیر نظامی و قطارهای مسافربری، به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می کند و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعت و درندگی ذره ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت

جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته ای بدل شده است و می رود تا شعله های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس برافروزد. و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی هشدار می دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه برحذر می دارم و به ملت آمریکا از این که عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می کنم، چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم آمریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطریک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید.

ابرقدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند، شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد، آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. چه خوب است که بعضی سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زرزور و تزویر خود این نکته را جدی گوشزد کنند که این قدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویند. برای این که همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که آمریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند که تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می خواهند آن را حفظ کنند. البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تا کنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت کشتا و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است و همه دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در

خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل آمریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می شوند. و علی رغم آن همه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که در جهان آمریکا بر پا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته اند تا خبر موفقیت نقشه های شوم آمریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی آمریکا را به دست غیب خود فراهم می آورد و اقتدار معنوی پرچم لا اله الا الله را بر پرچم کفر به نمایش می گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می سازد و چه بهتر که آمریکا و ریگان از مسیر سیاست مین گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنان را در جهان به صدا در آورده است مجدداً عبور نکنند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لا اقل شیخ قدرت و قدرت نمایی خود را پیش نوکرانی مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکننده نسازد، و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می دهد و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده ایم و کمریندها را محکم بسته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است و حتماً آمریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما همه مسلمانان منطقه خلیج فارس حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می کنیم. مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانه های آمریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت در جهان نبی اکرم باشند. البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنیم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهانخواران بوده و هست که از این طریق از پیدایش جوتفاهم و همکاری مسالمت آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز از کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی

ایران مایل است براساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورهای و ملت‌های اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی، سیاسی، نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای دقیق و قوی ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب علفی عراق این مسأله به‌گندی پیش می‌رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملت‌های اسلامی و اهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است.

به هرحال اصرار ما در ادامه نبرد تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط برحق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی‌کنیم که ان شاء الله با تحقق آن در کنار کشورهای اسلامی سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملت‌های اسلامی پایه‌ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی افتاده‌اند از سرنوشت صدامیان عبرت می‌گیرند و خودشان را به خشم و غضب ملتها گرفتار نخواهند ساخت. امروز بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواستہ شکست آن به ناکامی و شکست و تحقیر همه مومنان می‌انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست. لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و ان شاء الله تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است و خدا را سپاس می‌گذاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می‌برند و همه اهل جنگ و هنر آفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه‌های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده‌اند و می‌روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستم‌دیده عراق پرداخته‌اند که این از مهمترین خواسته‌ها و هدف‌های ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده‌ایم

که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریه‌ها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آن که قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث عراق به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و موردنظر خود را انتخاب کنند که بحمدالله طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است و همه ابرقدرتها و حامیان رژیم روبه زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیریه‌ها در جنگ و ایجاد جوفشار و جریان‌ات ساختگی سیاسی تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالت‌های نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ‌نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیل‌های کورویی ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره‌های جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می‌کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی‌شویم و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار برپام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه، بیشتر می‌شود.

البته ممکن است غرب زده‌ها و بزدلان، همانها که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده‌اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان وطن به آنان خدمتی کرده‌اند و نه در آینده لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احياناً آنها که خارج از مرزها نشسته‌اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده‌اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است و جال آن که به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سرخصم را به سنگ بکوبانند تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند. الحمدلله این کشور رسول خدا، امروز میلیون‌ها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پروریده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوی و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعن‌ها و خودنمایی‌های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم

یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوی دعوت نموده و در این فرصت به همه مسؤولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوی و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسؤولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود. چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح چه امروز و چه فردا که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود. و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده ها و در یک کلام مصلحت پابرهنه ها و گودنشینها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوی و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل بنسل و سینه بسینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بی خبر از خدا را بر دامن مسؤولین نچسباند و آنهایی که در خانه های مجلل راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه های محروم تنها ناظر حوادث بوده اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسؤولیتهای کلیدی تکیه کنند که اگر به آن جا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشتند و حاصل همه زحمات ملت را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بی خبران مشاهده ننموده اند و از همه زجرها و غربت های مبارزان و التهاب و بی قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند غافل و بی خبرند.

روحانیون و مدیران و مسؤولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسؤولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته اند و بادر نظر گرفتن شرایط استثنائی کشور جمهوری اسلامی ایران، باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند

و با سعه صدر و به دور از هرگونه توقع و منتی زائران محترم بیت الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بی سواد و باسواد، برای آنان برنامه ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تاثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می گذارد غافل نشوند. چرا که در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلاء فراوان است، و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائلی را به طور واضح و دقیق بیان می کنند ولی از مشکل تراشی و حالت های وسواس گونه ای که زائران را در شک و تردید و احتیاط های بی مورد قرار می دهد خود داری کنند چرا که وسواس در برنامه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی توجهی در واجبات می شود و یکی از فرصت های بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون ارتباط با صاحب نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است هر چند که استکبار جهانی و یا سران بعضی کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می نمایند. ولی برنامه ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاست های بین المللی بی خبر هستند و متأثر از القاءات و برداشتهای مادی تصور می کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی نفوذ روحانیت کم شده است.

و نعوذ بالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است که بحمدالله پیروزی انقلاب

اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی رغم همه کارشکنیها و سنگ اندازیها و توطئه های شرق و غرب و حسادت و کینه توزی ایادی آنان توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غرب زده و تهی ازارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می رفت تا پایگاهی برای اسلام زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور برچیده شده و علی رغم همه نغمه های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملی گراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان بر می خاست خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزه ها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکار حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حالت جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضایی که مسؤولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تامین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسؤولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوتخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و مواد مخدر را بگیرند که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد ابن عبدالله (ص) و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می شود و خدا را سپاس می نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه، راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می دهیم و

در عمل به همه غرب زدگان و شرق زدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن واهمه داشته اند نشان می دهیم که چگونه می توان جامعه را از سرچشمه های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود که بحمدالله همه اینها از برکات ورود علماء در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسایل متحدنه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسایل رومرزه اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسایل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت و مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قایلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی کنند، و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بی خیرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته اند، که در همین شرایط پرزرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی برنسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسؤولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم می توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلو این همه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ و خصوصاً آمریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسایل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگذارند و با استفاده از این دریای بیکران ملت های اسلامی، هم عزت خود را، و هم اعتبار امت محمدی را پایدار نمایند.

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگزاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت های جور با یکدیگر به بحث و

مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوتهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را بگیرند و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو نمایند. و به مردم و دولتها، خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند را گوشزد کنند.

من مجدداً تاکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علماء روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندانها و شکنجه‌ها را بجان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردنهای بی مورد مانده است؟ علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد. البته ماتنهایی بعضی از علما و متعه‌دینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تهدیدها و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده‌اند، احساس می‌کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند موعظه خدا را یادآور می‌شوم که «ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید.

مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیلی مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند، درعین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشاند و حتی علمای اسلام را در ملاء عام بدار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت

پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و روشنفکران و محققان بداد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامن گیرش شده است، نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست، چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دوچهره‌ها و روحانی نماها و دین به دنیا فروشان وقیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند. و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند چرا که این بی‌خبران هستند که حکومت جائران و ظلم سران وابسته را به توجیه، و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادی خواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملت‌های اسلامی را از شرور و ظلمت این ناهالان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسایل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است. هرچند که این بلیه دامن گیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زورور پیوند خورده اند و حق تصمیم گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصل خیز جهان و آب‌ها و جنگل‌ها و ذخایر به فقر و درماندگی گرفتار آمده اند و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده اند، و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته به توده‌های محروم باورانده اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی بر ادامه حیات پا برهنه‌ها جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و

بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیشها جانشان به لب آید. به هرحال این مصیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی به وضعیتی اسف بار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابره‌نه‌ها را ارائه دهند. و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت بدر آورند.

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست. و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد ولی، ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به شمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی با آنان تعلق نخواهد گرفت مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابره‌نگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخر فروشی و مباهاات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند. این خود بزرگترین عامل دخالت دادن مردم در امور گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گویبها می‌گردد. و حتی بعضی ثروتمندان را از این که تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.

خلاصه کلام این که، بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوی داشته باشد نه ثروت و مال و قدرت، و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین در کنار مستمندان و پابره‌نه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن افتخار بزرگی است

که نصیب اولیاء شده و عملاً به القائنات و شبهات منحرفین خاتمه می دهد. که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است و همچنین مسؤولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده اند، و همه آلمان و آرزوی ملت و دولت و مسؤولین کشور ماست که روزی فقر و تهی دستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمومنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست.

دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است و تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور ما و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته اند و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده اند. از آن جا که محرومیت زدایی عقیده و راه و رسم زندگی ماست، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند. و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگتر کرده اند.

و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی و اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگران ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان با اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند، و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسؤولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بی دریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم، البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شده اند و مقصد خداست و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند، و با

کمبودها از میدان بدر نمی روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می کند به خاطر شکم و دنیا از پیا در نمی آید ولی وظیفه ما و همه دست اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم. که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.

راستی وقتی که پابرهنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقیه خود را به احکام اسلامی تا سرحد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده و در همه صحنه ها بوده اند و ان شاء الله خواهند بود و سروجان در راه خدا می دهند و چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم. ما مجدداً می گوئیم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهید دادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته ای که در این جا ضمن تشکر از علماء و روحانیون و دولت خدمت گذار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و برآن تاکید نمایم. مسأله ساده زیستی و زهد گرایی علما و روحانیت متعهد است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره یک کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دوشان روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند. و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست، که الحمدلله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهد گرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه وارد کردن به چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد سازند، که ان شاء الله موفق نمی شوند.

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده اند امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشریف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک

نبی اکرم (ص) و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام، در راهپیمایی کوبنده برائت، با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکات این اجتماع مقدس عبادی سیاسی که نشان‌دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمامی مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مامورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند. هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه‌ها و توطئه‌ها را خنثی می‌کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه‌ای دست بزنند. البته بعید به نظر می‌رسد که دولت یا مامورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند (ص) از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی سیاسی ملت ما که به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می‌باشد، جلوگیری کنند. در حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظردوستان و دشمنان انقلاب ماست، دشمنان انقلاب در صدد دست یافتن به سوژه‌ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند. و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره و خصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش به یاری خداوند در سراسر عالم افکنده است، گردیده‌اند و حج بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است گردهم می‌آیند و با کنار گذاشتن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.

زائران محترم کشور ایران ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران

را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند و با توجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که به اشکال مختلف بر ملت‌های اسلامی تحمیل شده است به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان ارواحنا فداه به این ملت، بیشتری می‌برند، و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می‌دانند، و از کار و تلاش مسؤولین محترم و دولت خدمتگذار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند مطلع می‌گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت وصف و حیا و شرافت و آزادی و جهاد رهنمون شده‌اند خدا را سپاس می‌گذارند.

خداوند این نعمت‌های بزرگ را از ما و ملت ما نگیرد.

خداوند ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما.

خداوند ما را به خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزای.

خداوند ما را به توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما.

و در مسیر خدمت به بندگان ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستیمان همراهی و

مدد بنما.

زائران محترم مبدا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواست به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند. و از شکر این نعم بزرگ الهی که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم (ص) بیعت‌ها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنید و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایید و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شماست و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است، و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان شاء الله دفاع خواهد کرد و به آنان بگوید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم. و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام انقلاب راستین و بیان احکام

محمّدی است به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان ارواحنا فداء هموار می‌کنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند. این که مکه معظمه و مشاهد مشرفه آئینه حوادث بزرگ نهضت انبیاء اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) است. جای جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیاء بزرگ و جبرئیل امین و بادآور رنجها و مصیبت‌های چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم (ص) در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقت فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسؤولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند، که واقعاً پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی در چه غربتهایی برای دین حق و امحای باطل استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم زبانه‌های ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها نهراسیدند و در عین شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابی طالب به راه خود ادامه دادند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیایی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و کوچه و بازارهای مکه و مدینه پراست از هنگامه پیام رسالت آنان، که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق «فاستقم کما أمرت» پرده برمی‌داشتند، زائران بیت الله الحرام در می‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان ما چه کشیده‌است و مسؤولیت پیروان او چقدر سنگین است. امت و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب مظلومیت‌ها و سختی‌ها و درد و رنج‌های فراوان دیده‌است. جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده‌است، ولی یقیناً وسعت مظلومیت‌ها و سختی‌هایی که بر پیشوایان ما رفته است به مراتب بالاتر از مسائل ماست.

حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسؤولین پرتلاش و خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت و اهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و ملت‌مسانه و عاجزانه از آنان تفقد رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خودخواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ برکفر جهانی از خدا بخواهند، و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاری‌ها استفاده کنند.

خداوندا، اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دین توفیق یافته ایم، و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه لحظه ای درنگ نمی کنیم.

خداوندا، تومی دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین توبه شهادت می رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می کشند.

خداوندا، تومی دانی که امت رسول تو در این مملکت مواجه با همه توطئه هاست و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی گذارد و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصادی فزونی می شود.

خداوندا، تومی دانی مردم ما مشکلات را به جان دل خریده اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تومی دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز، و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروز گردان، و توان صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما، و دل مردم ما را که برای دین توشه میدهند، مفقود، مجروح و اسیر داده اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده اند، شادمان فرما، و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما، و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم (ص) و ائمه هدی سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل منصل فرما «انک ولی النعم»

روح الله الموسوی الخمينی

اول ذیحجه الحرام ۱۴۰۷ هجری قمری